

### در بزرگداشت شاهنامه

زنان و مردان ایرانزمین،

شاهنامه فردوسی، حماسه‌ی ملی ایران و ایرانیان، از بزرگترین و بلندآوازه‌ترین یادگارهای اندیشه‌ی بشری است و همواره دانشمندان و خردمندان گیتی ستایشگر آن بوده‌اند و هزارها کتاب به زبان‌های زنده‌ی جهان درباره‌ی آن به نگارش درآمده است.

از اینجا است که، به پیشگامی سازمان تربیتی، علمی، و فرهنگی ملت‌های متحد (یونسکو)، سال یکهزار و نهصد و نود میلادی، که از زمستان گذشته آغاز گردیده و اینک بازپسین روزهای آن است، سال شاهنامه نامیده شده و، در این سال، در سرتاسر جهان، آیین‌های بزرگداشت شاهنامه و سراینده‌ی آن با برپایی انجمن‌ها و گردهمایی‌ها و نشر کتاب‌ها، نوشتارها، و گفتارها با فر و شکوه فراوان برگزار گردید و گزارش‌های آن از راه روزنامه‌ها و رادیوهای جهان به آگاهی ایرانیان رسید؛ و جای بسی دریغ و شگفتی است که، از ندانم‌کاری کاربده‌دستان واپس‌گرا، میهن شاعر واپسین کشوری است که در آن با برنامه‌هایی، نه درخور حکیم و سراینده‌ی نامور، در بزرگداشت او با جهانیان هماهنگی و هم‌آوایی نشان داده می‌شود.

بی‌مهری به شاهنامه و دشمنی با فردوسی، آن پیام‌آور دانش و خرد، در این سرزمین تازگی ندارد. فراموش نکرده‌ایم آن روز که جان بیدارش به بهشت جاویدان خرامید، پیکر پاکش را به گورستان طوس راه ندادند و ناچار در باغ خودش به خاک سپرده شد؛ فراموش نکرده‌ایم که، در همین چند سال پیش هم، کوردلانی برای ویران کردن آرامگاهش به راه افتادند و نمی‌دانستند که آرامگاه راستین آن بزرگمرد در دل‌های گرم فرزندان ایران و آزادگان و خردمندان جهان است؛ فراموش نکرده‌ایم که سروده‌هایش را از کتاب‌های درسی ستردند و نمی‌دانستند که سخنان آسمانی او نقش جان‌های پاک فرزندان ایران است.

هزار سال است که فروغ تابناک شاهنامه سراسر پهنه‌ی فرهنگی ایران را روشنی شور و امید بخشیده و فرزندان ایران در سراسر نیاخاک و رجاوند ما، در دشت‌ها و کوهساران ایران بزرگ، از کناره‌های سرسبز سیردریا و آمودریا تا بستر گرم اروندرود خونین، از ستیغ‌های برف‌آگین کوه‌های قفقاز تا کرانه‌های نیلگون دریای پارس و عمان، همه‌جا و همه‌گاه، با خواندن شاهنامه سرود جاودانه‌ی یگانگی و هستی ملی ایران را سر داده‌اند و، در آیین‌های شادی و پیروزی و بر سفره‌های نوروزی، شاهنامه را نشان فرخندگی و بهروزی شمرده‌اند.

در درازای تاریخ پرفرازونشیب ما، در روزهای تاریک و خونینی که هستی ملی ما در خطر می‌افتاد، در برابر دشمنان خرد و کلان خودی و بیگانه، شاهنامه سرچشمه‌ی امید و پایداری ملت ما و مایه‌ی استواری همبستگی ملی ما بود. مردم ایران همیشه در برابر خودکامگان خون‌خوار خیزش کاوه‌ی آزاده را نماد کار و روش پیکار خود می‌شمردند و، به هنگام یورش دشمنان بیگانه، دلاوری‌های رستم جهان‌پهلوان را سرمشق مردانگی‌های خود می‌شناختند.

همین دیروز، که راهزنان بعثی عراق به سرزمین و رجاوند ما یورش آوردند، روز آزمون بزرگ، روز مرگ و زندگی، روز نیستی و جاودانگی فرارسیده بود، صدام حسین لاف سرداری قادسیه‌ی دوم را می‌زد و می‌پنداشت که می‌تواند

به آسانی بر جای ضحاک ماردوش و سعد وقاص تکیه زند، در آن روزهای لبریز از بیم و هراس، روزهایی که دست‌اندرکاران ناآگاه و ناتوان درماندگی نشان می‌دادند، الهام از شاهنامه بود که زنان و مردان دلاور ایرانی را به پایداری ملّی برانگیخت. آن روز که دشمن نودولت دژخوی زخم‌های کاری بر پیکر این ملت سرافراز دیرینه‌سال می‌زد، بانگ رسای فردوسی در سراسر ایران‌زمین طنین‌انداز بود که

بکشیم و مردی به کار آوریم  
بریشان جهان تنگوتار آوریم

مردان و زنان قهرمان ایران، که درس دلاوری و پایداری را از شاهنامه آموخته بودند و رستم‌دستان، نماد همیشگی نگاهبانی میهن، و دیگر نیاکان و پهلوانان بلندآوازه‌ی خود، چون کاوه و گیو و گودرز و طوس، را سرمشق خویش می‌دانستند، در این «نبرد میهنی» در برابر دریادریا جنگ‌افزارهای ویرانگری که دشمنان بزرگ ما به دست آن دشمن خوارمایه داده بودند با چنگ و دندان از هستی ملّی خویش دفاع کردند و یک بار دیگر پیام جاودانه‌ی شاهنامه را به گوش جهانیان رسانیدند:

دریغ است ایران که ویران شود  
کنام پلنگان و شیران شود

شاهنامه سند همبستگی ملّی ما و پاسخ‌گوی نیازهای ملّی ما و آیین جاودانه‌ی زندگی ملت ماست: در روزگار آرامش، راستی و خردمندی و داورزی و آبادگری و پرهیز از هر گونه پلیدی و تباهی و نمودهای اهریمنی؛ و به هنگام جنگ، میهن‌پرستی و پایداری و دلاوری و جان‌سپاری و دشمن‌شکنی.

شاهنامه گنجینه‌ی فرهنگ کهن درخشان ماست. امروز، که آزادگان و خردمندان جهان هم‌آواز و هماهنگ شاهنامه را می‌ستایند، گذشته‌ی پرافتخار این ملت و ارزش‌الای این فرهنگ را می‌ستایند؛ فرهنگ دیرینه‌سالی را می‌ستایند که فروغ آن سده‌های بسیار مایه‌ی روشنی دل و دیده‌ی جهانیان بوده است. بزرگداشت شاهنامه بزرگداشت ایران، بزرگداشت ملت ایران، و بزرگداشت فرهنگ ملّی ایران است.

در این آیین‌های بزرگداشت جهانی، مایه‌ی امید و شادمانی ماست که، در فراسوی مرزهای قراردادی کنونی ایران، بیش از هر جا در خاستگاه‌های کهن فرهنگ ایرانی، در بخارا و سمرقند و کابل و غرنه و بلخ و هرات و گنجه و باکو و شروان و دربند، شاهنامه را گرمی می‌دارند؛ و ما این هم‌زمانی فرخنده را هم به فال نیک می‌گیریم که، در سال ستایش جهانی شاهنامه، خواهران و برادران هم‌زبان و هم‌ژاد و هم‌فرهنگ ما در آن سوی آمودریا، در ورازرود، که نام «تاجیکستان» بدان داده شده است، زنجیرهای چیرگی بیگانه را می‌گسلند و درفش سرافرازی ملّی را برمی‌افرازند و زبان شاهنامه را زبان رسمی جمهوری خویش برگزیده‌اند.

هزاران درود ما به مردان و زنان قهرمان آن سامان، که سمندوار از زیر خاکستر ستم و بیداد و سرکوب سربرآورده‌اند و زندگی همراه با آزادی‌وسرفرازی را از سر می‌گیرند.

ما از همه‌ی زنان و مردان آرمان‌گرای ایران‌زمین می‌خواهیم که پیروزی خواهران و برادران دورافتاده را هر چه بیشتر گرمی دارند و، با فرستادن نامه‌ها و ارمغان‌های شایسته، به‌ویژه کتاب‌های فارسی و نوارهای موسیقی، از ناز و نوازش خویشاوندان رنج‌کشیده کوتاهی نورزند و همبستگی دیرین را توان و نیرو بخشند. بهترین ارمغان هم شاهنامه است.

امید که بزرگداشت جهانی شاهنامه برای کاربهدستان کشور درس آموزنده‌ای باشد که از این پس ارزش این گنجینه‌ی بزرگ فرهنگ ملّی را بدانند و ستیزه‌گری واپس‌گرایان با شاهنامه، که نمونه‌اش ستردن داستان‌های آن از کتاب‌های درسی است، پایان پذیرد. آرزو داریم که بزرگداشت شاهنامه یک برنامه‌ی زودگذر چندروزه آن هم به

انگیزه‌ی دگرگون و نمود کردن پیام‌های شاهنامه نباشد.

اگر جهانیان سالی را «سال شاهنامه» شناخته‌اند و در آن هفته‌ای را به برگزاری آیین‌هایی در ستایش شاهنامه می‌گذرانند، برازنده‌ی ما نیست که به همین اندازه بسنده کنیم. در سرزمین ما، بزرگداشت شاهنامه و آشناتر کردن مردم به فرهنگ شاهنامه باید یک برنامه‌ی پایدار ملی باشد. آیین شاهنامه‌خوانی، که در هزار سال گذشته در گردهمایی‌ها، به‌ویژه میان عشیره‌های جنگاور ایرانی، شیوه‌ای دیرپای بوده، باید رونقی تازه یابد. ما پیشنهاد می‌کنیم که روز پایان سرایش شاهنامه، که به گفته‌ی فردوسی «به ماه سفندارمذ روز ارد»، روز بیست‌وپنجم اسفندماه، بوده، روز شاهنامه خوانده شود و در آن روز همه‌ساله آیین‌های ویژه‌ای در شناخت و شناساندن این منشور جاودانگی ملی و ستایش شاهنامه برگزار گردد.

دبیرخانه‌ی حزب ملت ایران